

خجسته باد هشتم ماه مارس، روز همبستگی و رزمی زنان سراسر جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده، ایران

هشتم مارس فرا می رسد

زنان ایرانی همچنان با انبوه مشکلات و محرومیت ها دست و پنجه نرم می کنند

مرد و فاقد اراده از خویش است. این توهم غیر قابل بخشش به شخصیت زن است.
ادامه در ص ۶

هر سال در این روز زنان مترقی و زحمتکش جهان بیلان مبارزه سالیانه خود در راه دستیابی به آزادی و حقوق انسانی را ورق می زنند. در کشور ما زنان نه تنها همانند مردان از حقوق آزادی و دمکراسی محرومند، بلکه عملا فاقد ابتدایی ترین حقوق اجتماعی - سیاسی نیز هستند.
طبق قوانین "اسلام قهاتی" زن مطلقا تابع

نامه مردم

آرگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۴۴، دوره هشتم،
سال هفتم، ۱۴ اسفند ۱۳۶۹

هشدار

طبق يك خبر موثق يك گروه ۱۲۰ نفری از طرف ساوامای جمهوری اسلامی به کشورهای اروپائی اعزام شده اند. این گروه ماموریت دارد که در اروپا و مراکز نیروهای اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی فعالیت خود را متمرکز کند و با جمع آوری اطلاعات و شناسایی شخصیت های مخالف رژیم جمهوری اسلامی برنامه ترور و قتل آنها را به اجرا گذارند. عده زیادی از این گروه ۱۲۰ نفری در شهرهای پاریس، کلن، برلن، ژنو، استانبول، رم، وین، فرانکفورت، لندن، بارسلون، مادرید و استکهلم به فعالیت جاسوسی و جمع آوری اطلاعات و سازماندهی کارهای تروریستی مشغول می باشند.

در دیگر صفحات:

خاطره ای از: رفیعی شهید

عزت الله زارع

۴ ص

تشدید بحران

۸ ص

مبارزه بر سر قدرت

۸ ص

شدت می یابد

بازتاب مصنوعی تمدن پیشرو جهان غرب در شرق

آرامش به منطقه وقتی بازخواهد گشت که سیر رویدادها در مسیر اراده مردم منطقه حرکت کند. باید با همه امکانات در این راه به پیش رفت. نیروهای آمریکا وانگلیس و فرانسه و... باید فوراً منطقه را ترک کنند. مردم منطقه طرح "نظام نوین" را خود تنظیم و پیاده خواهند کرد. تاریخ معاصر منطقه گویای جنایات آمریکا وانگلیس در منطقه و از جمله در کشور ماست. مردم این تاریخ خونین را فراموش نکرده اند.

شورای امنیت از حربه صلح و امنیت به آتش افروز جنگ در دست واشنگتن برای کشتار جمعی مردم بیگناه عراق که جز ترور بیرحمانه نامی ندارد، تبدیل شد.

صدر سازمان بین المللی، "گرین پیس" را منتشر کرد. او می گوید، ابرهای غلیظ دود سیاه و باران های اسیدی که همه منطقه را فرا می گیرد همانند لکه های نفت در خلیج فارس تاثیر وحشتناک بر محیط زیست خواهد گذاشت. کارشناسان هنوز قادر نیستند تشخیص دهند چگونه بیماری هایی در نتیجه آلودگی محیط زیست زندگی انسانها و حیوانات را تهدید می کند. اما، همه آنها برآندند که پی آمدهای مخرب جنگ سالیان دراز ادامه خواهد یافت. آیا این جنگ اجتناب ناپذیر بود؟ البته نه! از نخستین روز لشکرکشی آمریکا به منطقه روشن بود که هدف واشنگتن نه آزادی کویت، بلکه ازبین بردن قدرت اقتصادی و نظامی عراق است. در بوجود آوردن قدرت نظامی عراق، همه کشورهای بزرگ و از جمله خود واشنگتن ادامه در ص ۲

فاجعه جنگ خلیج فارس که در آن سه کشور نیرومند غرب از لحاظ نظامی و اقتصادی - ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه - با صرف دهها میلیارد دلار بیار آورده اند، به این زودی ما فراموش شدنی نیست. بیش از ۲۰۰ هزارتن موارد منفجره - بمب و موشک - در عراق و کویت به روی شهرها و روستاها ریخته شده است. صدها چاه نفت در کویت و عراق را، ارتش های عراق و "متفقین" به آتش کشیده اند. میلیونها بشکه نفت در نتیجه خرابکاری های صدام حسین و مباران های آمریکا و انگلیس به خلیج فارس سرازیر شده است.

آنچه ما برشمرديم خطر عظیمی است که محیط زیست و مالا زندگی انسانها را تهدید می کند. چند روز پیش خیرگزاری آمریکایی "آسوشیتدپرس" متن اعلامیه "استیف السورس"،

ما، کشتار انسانهای بی گناه در منطقه، خلیج فارس را محکوم می کنیم!



جوادی آملی

در مورد مشکل نقش زن در سینما از جمله گفت:

"زن باید هنرش در این باشد که بیننده هنر او را ببیند و نه اندام او را. این کار اگرچه مشکل است، اما شدنی است."

اولاً، حقیقت آن است تا زمانیکه بیننده هنر کسانی نظیر شما باشند، چنین "مشکلی" حتی در صورتیکه هنرمند مرد هم باشد کماکان موجود است

ثانیاً برای فیلم هایی که از صافی سانسورتان گذشته و در پرده سینما ظاهر می شود تنها چیزی که برایش باقی نمی ماند همانا هنر است.

ثالثاً، هنر در فیلم های آنچنانی ویدیویی (!) با هنر در فیلم های خوب سینمایی فرق ماهوی دارند.

"طاغوت زدایی" به شیوه "فقاہتی"

دو مجسمه زن و مرد کشاورزی که مقابل وزارت کشاورزی واقع در خیابان بلوار کشاورز قرار داشت جهت "تعمیر" و پوشاندن "حجابی شرعی" به مقابل موزه هنرهای معاصر انتقال داده شده است.

عمل پوشاندن "حجاب شرعی" (روسری و شلوار و رنگ زدن) برای آن زن مجسمه آنقدر ناشایسته انجام شده که هر بیننده ای را به خنده وا می دارد.

باز هم جای شکرش باقی است که به دست آن زن لوازم آشپزخانه نداده اند.

منطقه توام باشد که این نیز بطور حتم به پیروزی خلقها پایان خواهد یافت.

آمریکا و دستیارانش در منطقه که در فکر ایجاد "نظم نوین" برای ساکنین آن هستند، سخت در اشتباهند. پایان جنگ به هیچ وجه به معنای پایان ناامنی و عدم ثبات نبوده و نیست. "نظام نوین" آمریکا نه حل واقعی مضل عظیم فلسطین و نه استقرار عدالت اجتماعی واقعی در جهان عرب و نه از همه مهمتر منافع ایران را به عنوان یک کشور غیرعربی نمی تواند دربرگیرد و به همین دلیل هم با شکست روبرو خواهد شد.

بوش، خواسته یا ناخواسته سیاست ژئوپولیتیک آمریکا را در منطقه کلیدی خلیج فارس، عربان به نمایش گذارد. او، با رد خشن پیشنهاد صلح میخائیل گارباچف که انطباق کامل با قطعنامه ۶۶۰ شورای امنیت داشت، آشکارا و بی پرده کوشید تا سیاست اتحاد شوروی را در منطقه نزدیک مرزهایش، تا آنجا که ممکن است بی اثر سازد. واشنگتن با نابود ساختن قدرت نظامی عراق، از سویی عملاً متحد استراتژیک خود اسرائیل را به بزرگترین نیروی نظامی در منطقه تبدیل کرده و از سوی دیگر، اهمیت ترکیه را به مثابه پست مقدم "ناتو" به معرض نمایش گذارده است.

آرامش به منطقه وقتی بازخواهد گشت که سیر رویدادها در مسیر اراده مردم منطقه حرکت کند. باید با همه امکانات در این راه به پیش رفت. نیروهای آمریکا وانگلیس و فرانسه ... باید فوراً منطقه را ترک کنند. مردم منطقه طرح "نظام نوین" را خود تنظیم و پیاده خواهند کرد. تاریخ معاصر منطقه گویای جنایات آمریکا وانگلیس در منطقه و از جمله در کشور ماست. مردم این تاریخ خونین را فراموش نکرده اند.

"مالکم داندو" پژوهشگر دانشگاه "بردفور" می نویسد: "... مرگ برنامه ریزی نشده و ناخواسته شهروندان به هنگام جنگ در خلیج فارس نباید حیرت آور باشد. این بخشی از منظره سده بیستم است و اعمال زور بی معنا به شهروندان تظاهر آن است. این بازتاب اندوهناک تمدن مصنوعی پیشرو ماست."

بازتاب مصنوعی ...

و نیز میلیاردها دلار عربستان سعودی و کویت و ... شرکت فعال داشتند.

جنگ و کشتار دهها هزار انسان و تخریب انفرستراکتور عراق و از جمله کارخانه های برق و مخازن آب آشامیدنی و کانالیزاسیون در آن کشور که بدون شک با گرم شدن هوا بروز بیماری های وحشتناک عفونی را موجب خواهد شد، چگونه توجیه می شود؟

می گویند صدام سین استقلال کویت را لگد مال کرد. این صحیح است و به هیچ وجه نباید اجازه داد تا استقلال کشورها لگد مال شود. اما، آیا خود آمریکا با حمله به پاناما به عنوان آموزگار صدام ها عمل نکرد؟ مگر اسرائیل بارها و بارها استقلال کشورهای عربی را نقض نکرده و امروز نیز بخشی از اراضی آنها را تحت اشغال ندارد؟ می گویند صدام حسین دیکتاتور خونخوار است. در این باره هم احادی تردید ندارد. آیا رژیم های عربستان سعودی، کویت، شیخ نشین ها، و مصر متحدان نزدیک واشنگتن همانند صدام در زمره دیکتاتورهای خونخوار نیستند؟ دیکتاتوری در زشت ترین شکل آن در جمهوری اسلامی و پاکستان و ترکیه و ... نیز حکمفرماست. در همه این کشورها آزادی و دموکراسی را حلق آویز می کنند. جنگ نشان داد که در قاموس امپریالیسم آمریکا و انگلیس دو نوع دیکتاتور وجود دارد: دیکتاتور خوب و دیکتاتور بد.

اکنون این پرسش مطرح است: کدام طرف پیروز شد؟ پاسخ ما روشن است: در جنگ که هر دو طرف کشته می دهند و انسان های بیگناه قربانی اهداف آزمندانه بازیگران صحنه سیاسی می شوند، سخن از پیروزی به میان آوردن حداقل غیرانسانی است.

جنگ خلیج فارس به اثبات رساند که بشریت در کوشش برای پایان دادن به "جنگ سرد" و ایجاد جو سالم برای حل اختلاف های سیاسی از طریق مسالمت آمیز، بزرگترین بازنده در این میان بشمار می رود. بوش با تحمیل آشکار اراده امپریالیسم آمریکا بر شورای امنیت در مورد دریافت فرمان آغاز جنگ به سرکردگی آمریکا، به یگانه تعیین کننده

سیررویدادها تغییر شکل داد و سازمان ملل متحد را از تاثیر در روند دستیابی به صلح کنار گذاشت. شورای امنیت از حربه صلح و امنیت به آتش افروز جنگ در دست واشنگتن برای کشتار جمعی مردم بیگناه عراق که جز ترور بیرحمانه نامی ندارد، تبدیل شد. البته این هنوز آغاز کار است. اخبار رسیده نشانگر فعالیت واشنگتن برای ایجاد "نظام نوین" در خاورمیانه و نزدیک در خارج از اراده مردم این منطقه و نیز خارج از حیطه عمل سازمان ملل متحد است. آیا مردم منطقه اجازه خواهند داد تا واشنگتن و پاریس و لندن سرنوشت آنها را تعیین کنند؟ درست است که "جهان اول"، علیه "جهان سوم" است خواهد کوشید تا اراده خلقها را نادیده بگیرد، اما این امر فقط می تواند با تکرار جنگ دیگری در

مسلمان های ترکمنستان شوروی اعتراض می کنند!

قاضی نصرالله عبداللایف، رهبر مسلمانان ترکمنستان شوروی چندی پیش اعلام کرد: تلاش پیرامون ایجاد شعبه حزب اسلامی در جمهوری ادامه دارد.

در تعقیب اظهارات وی، ن. عوض اوف، مسئول امور دینی جمهوری، در گفتگویی با خبرنگار "ایزوستیا" گفت: "واقعا هم تلاش برای ایجاد چنین حزبی در ترکمنستان آبی قطع نمی شود. فرستادگان ویژه مرکز و مسکو و نیز بازرگانان و سوداگران ایرانی و افغانی سخت سرگرم این کار هستند. آنها، بعضاً با دورویی خاصی اظهار حیرت می کنند و می گویند: این چه وضعی است که در کشور شما زنان بدون حجاب رفت و آمد می کنند و آزاداند با مردها حرف بزنند. در حالی که آنها می بایستی جای خود را بدانند. این خواست قوانین شرعی است.

من به اینگونه ایرادات پاسخ می دهم و معتقدم که نظر اکثریت قاطع ترکمن ها نیز هست. ما نیازی به قوانین شرعی نداریم. ما محتاج هیچ حزبی برای احیای اسلام هم نیستیم. احادی به مسلمانان ما ساختن مسجد و عبادت در آن را قدغن نکرده است."

"ایزوستیا"

شماره ۴۲ سال ۱۹۹۱

مدل جدید "اسلام فقاهتی" برای حل معضلات جهان اسلام



این دو زن جوان بیوه ایرانی نمونه ای از حدود یک میلیون زنان بیوه و دخترانی هستند که آقای رفسنجانی می خواهد به سوی فساد و تباهی سوق دهد.

به احتمال قوی جایزه نوبل امسال به دو نظریه پرداز اسلام فقاهتی - رفسنجانی و آذری قمی - داده خواهد شد. این دو، پس از ۱۲ سال تحقیق و پژوهش در لابراتوار "قمی"، پیرامون احادیث و روایات، بالاخره مدل پایان دادن به عقب ماندگی از طریق حل سریع و از همه مهتر رایگان معضلاتی مانند فقر و خانه بدوشی و تحصیل و تحقیق علمی، کنترل جمعیت و... را عرضه داشتند.

مدل جدید "متعه" نام دارد، یعنی "ازدواج موقت"، "صیغه" و یا صریح تر گفته باشیم "خودفروشی" زن طبق موازین "قمی" و یا تربیت روسپی بر بنیاد "اسلام فقاهتی" که چون شرعی است. بنابراین نه عامل فساد، بل "بازدارنده" آن است. افزون بر این "متعه"، به گفته تئوریسین معروف، آقای آذری قمی، حلال همه مشکلات جوامع عقب مانده اسلامی و الهام بخش انقلاب علمی و فنی نیز هست.

مثلا، آذری قمی پس از اشاره به "آیات" سوره مبارکه نساء" برای اثبات مشروعیت "متعه" می گوید: "مفهوم این آیه آن است که اگر افرادی به دلایلی که از جمله دلایل مالی است، مسکن است، نفقه دادن و خرج دادن است که الان هم این دلایل در جامعه ما هست، قدرت نداشته باشند که ازدواج دائم بکنند، خداوند تبارک و تعالی او را از این حق طبیعی محروم نکرده است".

به دیگر سخن هر مردی می تواند زن دلخواه خود را، بدون تامین وی با مسکن، بدون تقبیل هزینه زندگی، بدون دادن نفقه اجاره کند. اینهم دلایل آقای آذری قمی در اثبات نظر ما، "طبق شریعتی که مثلا در روایات اشاره کرده است که در مقابل یک درهم یا بیشتر و یا حتی مدت را مشخص کرده که مثلا سه روز یا کمتر عمل ازدواج موقت انجام گیرد. این برای این است که گزینه جنسی طوری اطلاق شود که فساد در جامعه راه پیدا نکند. یعنی هدف از طرح این مسئله همین است".

چنین است معنای انسانیت و مراعات حقوق بشر در "جامعه اسلامی" آقایان. با یک "درهم" می توان زن جوان و یا دختر ۱۶-۱۵ ساله را برای سه روز و یا حتی کمتر، یعنی برای یک روز، یک ساعت خرید، بعد هم رها کرد. آیا این عمل فرقی با فحشا ندارد و به معنای گسترش فساد و خودفروشی زیر چتر شرع نیست؟

آذری قمی تنها شرط "اجاره" دختر بچه ها را "اجازه پدر" می داند. او، "متعه" را برای انسانی که زن دارد "مکروه" می داند ولی بلافاصله می افزاید: "خدا استفاده این افراد از "متعه" را حرام نکرده است... بهتر است که این

کار را نکنند. خود ائمه هم از این مسائل دوری می کردند. و اگر بعضی از آن بزرگان هم گاهی این عمل را انجام می دادند، فقط برای آن بود که مشروعیتش را عملا نشان دهند".

حتما این روایت هم به معنای بازگذاشتن "در عقب" برای ورود آقایان روحانیون به قصد "رفع شهوت" در عمل و "اثبات مشروعیت" آن در انظار عوام الناس است.

آذری قمی درباره "محسنات" ازدواج موقت می گوید: "... در شریعتی که الان ما داریم از نظر اینکه در مورد مسکن دچار مشکل هستیم، از نظر اینکه الان دوران بازسازی و دوران تحصیل و دوران تحقیقات است اگر جوانها بخواهند تشکیل خانواده بدهند، خرج بدهند، خانه تهیه کنند، فکر زن و بچه باشند، از این کارهای اساسی که می خواهند برای جامعه انجام دهند، عقب می مانند. اینها در حین آنکه به این فعالیت ها مشغولند، در عین حال از حق طبیعی محروم نباشند و با سهولت بتوانند گزینه جنسی خود را تامین کنند".

آذری قمی "متعه" را به عنوان بهترین سیاست "کنترل جمعیت" می داند. چرا؟ به گفته وی: "متعه یکی از مزیت هایش همین کنترل جمعیت است چون در شرع پیش بینی شده در صورتی که مرد مایل به داشتن فرزند نباشد، در

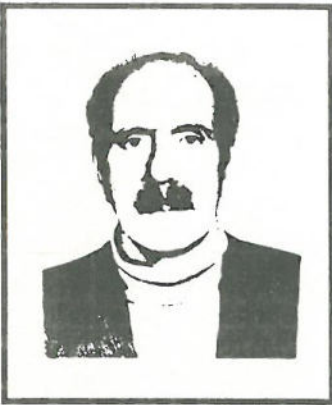
ازدواج موقت، زن نمی تواند مخالفت کند... مشکلاتی که در خانواده ها برای کنترل نسل هست در این متعه نیست".

در شرع آمده که در "ازدواج موقت"، "صداق" یعنی "مهریه" (یک درهم) شرط واجب است. از آن طرف می گویند "متعه"، "نفقه" ندارد، یعنی مرد ملزم نیست که خرج زن را بدهد. این چگونه عدالت اسلامی است که مرد برای فرونشاندن شهوت، نه خرج زن را بعهده می گیرد، نه سرپناهی برایش تامین می کند و نه اجازه داشتن فرزند را به وی می دهد. نه! مشکل بتوان تصور کرد که جوانان با فرهنگ ایرانی تن به چنین خفتی بدهند.

چنین اعمالی تظاهر بارز اخلاق و طرز تفکر بیمار کسانیت که زیر نقاب اسلام به مفتخوری عادت کرده اند، در زندگی فقط یک هدف دارند - فرونشاندن شهوت حیوانی. از منطق کور آنان چنین برمی آید که جوانان ایرانی - کارشناسان، پژوهشگران و دانشمندان - هدفشان نه داشتن کار با دستمزد مناسب، داشتن خانه و کاشانه و تشکیل خانواده، بل "تامین گزینه جنسی" آنهاست از طریق تحقیر زنان در جامعه است. جوانان ایرانی چنین تصور ضد انسانی را مدتهاست محکوم کرده اند.

خاطره ای از : رفیق شهید عزت الله زارع

فرزند راستین حزب



این شعرگونه، یکی از سروده های رفیق زارع است و فکر می کنم در جایی منتشر نشده است.

گل سرخ

در طراوت برکهای گل سرخ و رنگ دلآویزش که حتی چشم های بی دقت را هم مجذوب خود می کند، گوئی اسراری از زیبایی نهفته است. با کمال دقت زیبایی شناسی هم در یک نظاره سطحی، نمی توان حقیقتش را دریافت. ولی اگر با چشم دل به تماشا بنشینیم و به پیامی که با عطر شامه نوازش در فضا می پراکند دقت نمائیم در آن پیام عطرآمیز، شکوه هایی از ستم خار خواهیم شنید. گل سرخ به چشم خود دیده است که این خارها چگونه پای و سینه بلبل عاشق را خونین کرده اند. و باز هم در پیام گل سرخ خواهیم شنید که می گوید:

من ابتدا نسیمی رنگ بودم. وقتی ترانه عاشقانه بلبل عاشق را شنیدم کمی سرخ رنگ شدم. ولی کاملاً سرخ شدنم را از رنگ خون سینه بلبل می دانم که از جفای خار باعث آمده.

می روند و برگورهای بی نام و نشان آنها سرود می خوانند گل می نشانند و یاد آن آزادگان را گرامی می دارند.

یکی از رقعا که تا آخرین لحظه با رفیق زارع بود. پس از رهایی از آخرین لحظات زندگی رفیق زارع خاطره ای تعریف کرد. او می گفت: وقتی نام رفیق زارع را خواندند، چون او از همه ماجرا باخبر بود روگرد به سایر رقعا و گفت:

"بچه ها از تزریق یک آمپول هم ساده تر است".

واقعا برای او که طی هفت سال تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داشت، اینطور بود. جلادان فکر می کردند اگر جسم نحیف او را در هم بشکنند واز بین ببرند خواهند توانست راه و اندیشه او را نیز از بین ببرند. زهی خیال باطل. چراغ اندیشه او همیشه جاوید است. مرگ آگاهانه او در میان محله زندگی او باعث تنفر و انزجار بیشتر مردم نسبت به رژیم شد.

به ضمیمه این نامه عکسی از رفیق زارع که در داخل زندان گرفته شده است و مخفیانه خارج شده است برایتان می فرستیم. هرچند که به اصطلاح سر و وضع رفیق زارع را آراسته کردند، ولی چهره او درمقایسه با زمانی که بیرون از زندان بود کاملاً فرق دارد. و این فرق نتیجه رفتار دمنشانه جلادان در داخل زندان با رفیق است. در تمام ملاقات های داخل اوین او هرگز از وضع شخصی خویش صحبت نمی کرد. همیشه می گفت:

خوبم. او با اینکه همیشه از شدت ضعف بدنش لرزش داشت دارای آنچنان روحیه قوی بود که به بقیه هم روحیه می داد. همیشه در تمام ملاقاتها می خندید. به ملاقات کنندگان هم روحیه می داد.

یادش گرامی و راهش جاوید باد!

رفیق زارع. نه تنها پدر بلکه معلم و رفیق فرزندان بود. ولی او هرگز خودش را متعلق به خانواده اش نمی دانست و خانواده بزرگ او حزب او بود. و او از سن ۱۷ سالگی در این خانواده رشد کرده بود و تا آخرین لحظه زندگی برای دفاع از حزب و حقانیت آرمان های آن مبارزه کرد. خبر اعدامش را زودتر از اینکه توسط زندان اوین باخبر شوم دریافت کردم... خبر را اینطور اعلام کرده بودند.

زارع را کروات زدند. اصطلاحی که در اوین بکار برده می شود.

ولی برای ما باور کردنی نبود. دو روز بعد موتورسواری از یکی از همسایگانش سؤال کرده بود که همسایه شما زارع را اعدام کردند؟ آنها می خواستند که عکس العمل خانواده اش را در مقابل این خبر بدانند. بنابراین همینطور در محل گشت می دادند. تا اینکه در غروب ۲ آذرماه نامه ای را داخل خانه اش انداختند. مضمون نامه این بود که فردا یعنی جمعه ۳ آذرماه بیائید به خیابان جشنواره واقع در جوادیه تهرانپارس- کمیته تهرانپارس- فردای آن روز همه دریافتند که چه فاجعه هولناکی اتفاق افتاده. آنجا پاسدارها با بیشرمی تمام ساک و وسایل شهدا را تحویل خانواده هایشان می دادند و ۱۵ صفحه تمهید نامه از هر خانواده می گرفتند، مبنی بر عدم اجرای هرگونه مراسم و یادبودی.

مراسم یادبود و تجلیل از شهدا در منزل های شخصی بخوبی برگزار شد. و در خانه رقعا با وجود کنترل و رفت و آمدهای مشکوک هر روز انبوهی از دوستان و آشنایان و رقعا می آمدند و عکس های رقعا را غرق در گل می ساختند.

خاوران که میادگاه داغدیدگان شده و هر جمعه صبح غرق در گل می شود. و پاسداران عصر همان روز تمام گل ها را جمع می کنند. آنها حتی از خاک رقعا هم وحشت دارند. ولی مادران داغدیدها هر جمعه مصمم به دیدار عزیزان خود

رنگ و دوستان حزب!

در جریان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی قافله ای از فرزندان خلق که در صفوف حزب توده ایران در راه بهروزی و نیکیبختی توده های رنج می رزمیدند، به دست دژخیمان خونریز رژیم به خاک و خون در غلتیدند. بدین وسیله حزب ما از شما می طلبد که هر اطلاع یا خاطره ای از زندگی شکوهمند این رفقای شهید - خواه

زندگی فردی یا اجتماعی، چه از سالهای زندان، و چه سال های پویندگی در بیرون از زندان - دارید برای ما ارسال دارید. بزرگداشت روح و راه بزرگ این رقعا وظیفه بس سنگینی در برابر تک تک همزمانشان می گذارد. زندگی سراسر رنج و کار و پیکار و پایداری هر شهید راه خلق می تواند باب دنیایی از آموزش را بروی انسانها باز کند. خواهشمندیم اطلاعات خود و از جمله عکس رقتای شهید را به آدرسی "نامه مردم" ارسال دارید.

دانشگاه آزاد؛

توسعه کمی یا گسترش کیفی؟

یک دانشجوی سال اول، در سال تحصیلی ۶۹-۷۰ شهریه کل هزینه تحصیل در دانشگاه برای ورودی ما این سال تا دو برابر افزایش یافته است و مسئولان محترم هم هیچگونه توضیح قانع کننده ای در این زمینه نداشته اند.

دانشجویان و مردم می پرسند آیا نباید گسترش و توسعه یک مرکز آموزش دانشگاهی با تقویت بار علمی و کیفی آموزشی و برنامه ریزی زیربنایی در زمینه تربیت استاد و تامین امکانات و ... همراه باشد؟



هزار نفر خواهد رسید که امید است با حمایت ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی و دولت و با جذب ۵۰۰ هزار نفر به دانشگاههای دولتی رقم دانشجویان کشور در پایان برنامه پنجساله به یک میلیون نفر برسد.

توجه به موارد فوق نشان می دهد که دانشگاه آزاد اسلامی که در هفت سال پیش با تعداد قلیل ۲۷۵۰ دانشجو کارش را آغاز کرد هم اکنون نزدیک به ۲۵۰ هزار دانشجو دارد و این رشد بزرگ آسا قابل توجه است. نکته گفتنی دیگر در این زمینه این است که در اولین دوره پذیرش دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی رئیس این دانشگاه اعلام کرد که دانشگاه مذکور ۲۵ میلیون

از ۲۵۰۰ دانشجو تا ۲۵۰ هزار دانشجو تاریخ: ۶۸/۸/۲۹، اولین دوره دانشگاه آزاد اسلامی با پذیرفتن ۲۷۵۰ دانشجو در رشته هایی نظیر حسابداری، مهندسی زراعی و نساجی و ... شروع به کار کرد. تاریخ: ۶۹/۶/۲۱، اسامی ۷۵ هزار قبول شده و ذخیره دانشگاه آزاد اعلام شد. تاریخ: ۶۹/۶/۱۹ (از مصاحبه رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در شهرستان اراک) در سال جاری دانشگاه آزاد اسلامی حدود ۲۵۰ هزار دانشجو خواهد داشت که ۷۰ هزار نفر آن امسال به دانشگاه راه خواهند یافت.

تاریخ: همان تاریخ فوق و پیش بینی برای آینده (باز هم از سخنان رئیس دانشگاه آزاد اسلامی) تا پایان برنامه پنجساله طی سه نوبت تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی به ۵۰۰

یک دانشجوی زبان اسپانیولی، ما دانشجویانی هستیم که می باید خودمان کتاب تهیه کنیم و در به دنبال استاد بگردیم. مسئولان برنامه ریزی این رشته (زبان اسپانیولی) به ما گفته اند که ما از اول برنامه ای برای واحدهای درسی شما نداشته ایم.

دانشجویان پرداختند می توان گفت که در این ترم دانشگاه آزاد اسلامی قریب ۶۴۰ میلیون تومان تنها از طریق دریافت شهریه ثابت دانشجویان سال اول دریافت کرد.

(به نقل از، "گیهان")

تومان بودجه دارد و اولین کمک مالی که به این دانشگاه انجام شد رقم ۱ میلیون تومان بود اما امروز یعنی در آبان ماه سال ۶۹ با تعداد ۷۰ هزار دانشجویی که امسال به این دانشگاه راه یافتند و با میزان شهریه ثابتی که این

«پرداخت حقوق مشرفین بگيران سازمان تامين اجتماعي پيش مي شود.»



پسندید. به آقا بگید بیاد حقوقش آوردم. خانم. آقا نش ماه پیش از گشنگی مرد!

آقای گل! اینجا فقط ۵۰٪ به نفع رژیم تبلیغ کرده ای

هر انقلابی، موجی از آرمانخواهی برمی انگیزد و جهان و جان آدمی جوان می شود. از پس هر شکستی نیز آواری از درد و دریغ بر جان و دل آدمی می بارد. آنان که نیک بخت تراند، در اوج حماسه و چون انسان های حماسی، شهید می شوند و نمی مانند تا آوار ویرانی "آرزوهای نجیب خود را شاهد باشند. گروهی در همان صبح شکست، بر دست های فاتحان بوسه می زنند. برخی سردر پله تنهایی، پوچی، نیهیلیسم و تصوف فرو می برند، گروهی به زندان می روند، آزاد می شوند و آنگاه بر دو راهی تسلیم به ضرورت های ناگزیر دوره شکست در مانده ای بی آرمان و یا عصیان و شورش نا امیدانه می مانند. گروهی این و گروهی آن را برمی گزینند. از پس هر شکستی، آنان که بر آرمان های خود می مانند، اگر به ضرورتها سرتسلیم فرود نیاورند، انسان های حماسی هستند که در دوران یاس و دلمردگی و رخوت، نامعاصر با زمان خود، جز سرنوشتی "تراژیک" نصیبی ندارند. در زمانه آرمان زدایی، انسان آرمان گرا، برای پاسداری از ارزش های خود، علیه ضرورت سر به شورش برمی دارد تا با تحمل فاجعه ناگزیر، ارزش های خود را پاس دارد.

"گرشاسب - داستان بازگشت". از داستان نویس بزرگ و مشهور معاصرمان

احمد محمود

"جنگ طومار"

پس از انتصاب دکتر اعتمادی که فردی متخصص و کاردان است به سرپرستی سازمان بهداشت و درمان خراسان بجای دکتر بهرامی به علت نارضایی عمومی، عده ای از دانشجویان انجمن اسلامی طوماری تهیه دیده و از دانشجویان می خواستند تا آن را امضا کنند. مضمون طومار طرفداری از دکتر بهرامی بود. اکثر دانشجویان از پذیرش پیشنهاد انجمن اسلامی سر باز می زنند و خود طوماری در دفاع و حمایت از دکتر اعتمادی به تهران می فرستند. برخورد خشن میان دانشجویان که از "طومار" آغاز شده بود به درگیری لفظی و سپس به دادن شعار علیه یکدیگر تبدیل گردید. در این میان دکتر بهرامی با وجود دستور وزارت بهداشتی پست خود را ترك نکرده است و سرنوشت دکتر اعتمادی هم روشن نیست.

یکی دیگر از حیل های رژیم

از اوایل شهریور ماه سال جاری، عمال اطلاعاتی و سرکوب رژیم، در دسته های ۴ تا ۵ نفری به اشکال گوناگون، از جمله بحث سیاسی، از موضع مخالف با رژیم، و به میان کشیدن پای مردم سعی در گوش مالی دادن آنان دارند. از جمله اینکه در میدان ۷ تیر، اتومبیل گشت کمیته پارک شده بود و چند نفر از عمال رژیم با لباس بدیل، کشیک می دادند. یکی از کمیته چی ها خانم بد حجابی (۱) را مورد بازجویی قرار می دهد و در همین موقع افراد مذکور جلو رفته و در میان مردم بصورت مصنوعی با کمیته چی ها به بحث می پردازند. و بالاخره خانم را آزاد می کنند. آنها هم لحظه ای بعد ناپدید می شوند.

مورد دوم، در میدان ولی عصر عده ای از همان عمال، باصطلاح با مردم "بحث آزاد" راه انداخته بودند.



چرا نفت نیست؟

درهی سرمای شدید و برف و باران اخیری که در مشهد و نواحی آن صورت گرفت، مردم فقیر پائین شهر از کمبود و در مواردی حتی نبود نفت و سوخت شدیداً رنج می برند. باوجود کوهنی بودن نفت، مردم مناطق فقیرنشین حتی میزان سوخت کوهنی را هم گیر نمی آورند. به همین سبب عده زیادی برای اعتراض در مقابل فرمانداری دست به تظاهرات مسالمت آمیز زدند. اما با اقدام خشن و ضد انسانی پلیس و کمیته که جنب فرمانداری برای مقابله با مردم حضور دارند روبرو گردیدند. همه می پرسند:

چرا در کشور نفت خیز نفت نیست؟

اسرای آزاد شده و تبهکاریهای رژیم

در میان اسرای آزاد شده، زنها نیز به چشم می خورند. خانم دکتری که مستول قرنطینه خانها بوده، از مشاهده آثار شکنجه های جسمی و روانی در زندانهای عراق به خانها بسیار ناراحت شده و حالت عصبی پیدا کرده است.

رژیم عراق تقاضای پناهندگی عده ای از اسرای ایرانی را رد کرده و آنها را به ایران تحویل داده.

رژیم هم این عده از اسرا را مورد اذیت و آزار قرار می دهد.

رژیم اعلام کرده بود که به مناسبت بازگشت اسرای آزاد شده، نیروگاه جدیدالاحدائی را بنام "آزادگان" افتتاح و نامگذاری خواهد کرد. این در حالی بود که نیروگاه مذکور (واقع در جاده ساوه) مدت ده سالی است که به فعالیت اشتغال داشته و قبلاً بنام "شهید عباسپور" نامگذاری شده بود. تنها کاری که "به افتخار" ورود آزادگان انجام گرفت، تقویت این نیروگاه بود و بس!

شایع است که در قزوین، هنگامیکه یکی از اسرای آزاد شده از ازدواج همسرش با برادرش مطلع میگردد خود را حلق آویز کرده و بدین ترتیب به زندگی خود پایان می دهد.

در رابطه با تحویل پناهندگان سیاسی ایرانی از کشور عراق به ایران تحت عنوان اسیر، یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران که در اوایل آذر ماه تحویل ایران داده شده بود، به همراه پدرش تیر باران می شود. جرم پدر عدم همکاری با رژیم جهت شناسایی و تحویل پسرش به ماموران اعلام شده است.

ما، این جنایات را محکوم می کنیم!

در رابطه با قطع مبادله اسرا بین ایران و عراق، در بین مردم زمزمه بود که دیگر اسرا باز گردانده نخواهند شد. تا اینکه خبر سفر طارق عزیز به ایران در رسانه های گروهی درج گردید.

خانواده اسرا هم پس از اطلاع از این سفر، در فرودگاه تهران با سنگ به اتومبیل حامل طارق عزیز حمله می کنند. آنها همچنین شیشه های فرودگاه را می شکنند. در ضمن شمار می دادند که:

"قاتل فرزندان ما باید هر چه زودتر این کشور را ترك کند، چرا او را به اینجا راه داده اید؟"

خودکامه فقط يك راه وجود دارد - مبارزه و باز هم مبارزه. ما بشما اطمینان می دهیم که حزب توده ایران در این پیکار انسانی و مردمی دفاع از حیثیت، آزادی و مصالح زن مانند همیشه در صف مقدم نبرد خواهد بود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران روز هشتم ماه مارس را به همه زنان صمیمانه تبریک می گوید و پیروزی آنان را در پیکار خواستار است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲ اسفند ۱۳۶۹

اسلامی با صدور فرمان استفاده * گسترده از "متعه" و با "ازدواج موقت" که معنا و مفهومی جز آزادی خرید و فروش زن و اشاعه غیر قابل بخشش فساد در جامعه، زیر پوشش موازین شرعی ندارد حیثیت و شخصیت زن ایرانی را پایمال کرده اند.

مادران و خواهران عزیز!

برای نجات از تنگنای سخت و رنج آور زندگی غیر انسانی فراهم آمده بدست رژیم

اعلامیه، کمیته مرکزی...

جنگ ۸ ساله که خمینی و یارانش مقصر اصلی تداوم آن بودند صدها هزار زن ایرانی را بی همسر کرد. رژیم ضد خلقتی که نمی تواند زنان را با کار تامین کند و اصولاً معتقد به حقوق برابر زن با مرد نیست، "خود فروشی شرعی" را به عنوان یکانه راه برون رفت از مشکلات هم در برابر زنان و هم در برابر دختران جوان گذاشته است. حکام جمهوری

تشدید بحران ...

متحد شوند. نیت آنها عبارتست از کنار زدن طرفداران انتخاب سوسیالیستی از حاکمیت، دادن خصلت ضد سوسیالیستی و ضد خلقی به تحولات.

بی‌اعتنایی به تصمیمات متخذه در کنفرانس های نمایندگان خلق اتحاد شوروی در برخی از جمهوری ها، انصراف غیرقانونی از مواد قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی، راه را برای قانون شکنی باز کرده و امکان اتخاذ تصمیمات ضد دموکراتیک و اعمال تبعیض آمیز را فراهم آورده که این نیز تجاوز آشکار به حقوق شخصیت است. این امر، موجب اعتراض انسانهاست و آنها را به مقاومت تحریک می کند. نیروهای ملی - تجزیه طلب، آشکارا خط مشی ازین بردن دستاوردهای اجتماعی را درپیش گرفته و پا را از مرز عقل و قانون فراتر گذارده، مناسبات انترناسیونالیستی بوجود آمده میان خلقها طی قرنها را از بین می برند و بدترین اشکال تبعیض ملی را احیا می کنند. رژیم های ملی گرای مستبدی که برتری موهوم حق ملتها بر حقوق بشر و حقوق شهروندی مورد پذیرش در جهان را اعلام می کنند، شکل می گیرند.

تشدید وضع، حوادث غم انگیز در جمهوری های کرانه بالتیک و ماورای قفقاز، حفظ وخامت در دیگر مناطق در مجموع خود اعلام خطر جدی به همه جامعه است. روند دموکراتیک، تحولات مثبت در شرف ازمه پاشیدن است، خطر جان و امنیت انسانها فزون تر می شود...

وضع بوجود آمده در کشور، محصول نقض حقوق بشر و نظم تعیین شده در قانون اساسی، تن در دادن ارگان های مرکزی و جمهوری ها به موارد زیادی از نقض قانون اساسی، محدود کردن مصالح عالی گروههایی از اهالی از جانب نیروهای مخرب است...

به نظر شرکت کنندگان در پلنوم بحران اقتصادی، تشدید و تعمیق وخامت اجتماعی و ملی معلول شکاف در رشد اقتصادی و سیاسی است. با وجود این، مشکلات و تضادها نباید مانع تحولات اقتصادی گردند. برعکس باید پیکرانه به مشی اقتصاد بازار ادامه داد.

گذار به مناسبات بازار باید از طریق شکل گیری اقتصاد چند مالکیتی با الویت اشکال جمعی مالکیت، گسترش استقلال اقتصادی موسسات، ابتکار آزاد اقتصادی و سوداگری همراه باشد.

در چنین شرایطی سیاست اجتماعی - اقتصادی حزب متوجه ایجاد شرایط همه جانبه برای هر کارکنی برای کار با کیفیت بالا و حقوق زیاد، شکل گیری سیستم معتبر حفاظت اجتماعی دولتی، تامین اشتغال، حمایت از اهالی کم درآمد، افزایش دستمزدها همراه با بالا رفتن قیمتها، تعیین شاخص درآمدها باشد...

جامعه از وخامت دائمی اقتصادی و مناسبات ملی، دفرمه شدن ارزش های انسانی و اصول اخلاقی انسانها خسته شده است. بویژه خطرناک و مغایر اخلاق است که برخی از نمایندگان علم و فرهنگ که باید در تشدید قدرت بالقوه معنوی جامعه کوشا باشند، انسانها را به زورگویی و عدم مراعات قوانین قریبخوانند. مگر آنها نمی دانند باروت پسیکولوژیک نفرت اجتماعی، توده ای ترین و وحشتناک ترین عامل تخریب است!

عکس العمل همکاران
نزدیک باریس یلتسین

قرارهای تصویب شده از جانب ما، عمل نمی کنند. وضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در جمهوری فدراسیون روسیه رویه وخامت می رود.

اشتباهات و نارسایی ها بطور عمده مربوط به آن است که صدر شورای عالی فدراسیون روسیه می گوشت تا به محفل محدودی از نزدیکانش، به ساختارهای ایجاد شده به موازات ساختارهای شورای عالی فدراسیون روسیه، بدون کوچکترین مشورت و توافق با ما، تکیه کند. انضباط سازمانی و مالی، صلاحیت سازمان های دولتی، سیرقانونی امور دولتی مختل می شود...

کوشش درباره گفتگوی رفیقانه و نیز انتقاد نمایندگان از تریبون شورای عالی فدراسیون روسیه تاثیری نکرد. نمی خواهند ندای ما را بشنوند. پس از بکارگیری همه وسایل، یا تقریباً همه وسایل ممکن برای بازگرداندن صدر شورای عالی فدراسیون روسیه به راه رئالیستی، ما تصمیم به ارائه این اعلامیه گرفتیم...

۱۹ فوریه سال جاری، باریس یلتسین با گفته های خود در تلویزیون مرکزی باردیگر نشان داد که قابلیت بازگرداندن فعالیت شورای عالی فدراسیون روسیه به راه انسجام و کار سازنده را ندارد...

برخاسته از احساس وظیفه و برای جلوگیری از لغزش آتی به سوی تخریب و هرج و مرج، ما برآنیم که زمان دعوت عاجل کنفرانس فوق العاده نمایندگان خلق فدراسیون روسیه با دستور روز گزارش درباره فعالیت صدر شورای عالی جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه فرارسیده است."

"کاسومولسکایا پراودا"

۲۳ فوریه ۱۹۹۱

۲۱ فوریه ۱۹۹۰ س. گاریچاوا، و. ب. ایسایف، معاونان شورای عالی فدراسیون روسیه، ر. عبدول آتیف، صدر مجلس ملت های شورای عالی فدراسیون روسیه، و. ایساکف، صدر مجلس شورای جمهوری شوروی عالی فدراسیون روسیه، ا. و. پشیناکف، معاون وی، و. سیروواتکو، معاون صدر مجلس شورای ملت های روسیه، در اجلاس شورای عالی اعلام کردند که نخستین کنفرانس نمایندگان خلق روسیه، باریس یلتسین را به صدارت شورای عالی انتخاب کرد و معتقد بود که وی با توجه به کاردانی و مهارتش می تواند روسیه را از بحران نجات دهد. سپس در اعلامیه مشترک گفته می شود:

"زمان آن فرا رسیده تا بگوئیم این امید تحقق نیافت. اظهارات صدر شورای عالی فدراسیون روسیه در جمهوری های کرانه بالتیک و اسنادی که وی در آنجا امضا کرد فاقد ارزیابی و معنای واحدی بود. اکثر نمایندگان موضع وی را یکجانبه، نامتوازن و انعکاس نظر شخصی باریس یلتسین ارزیابی کردند. اعلام وی دایره به ایجاد ارتش خویش بویژه نگرانی آور است و از جانب خیلی ها به مثابه یک تهدید تلقی می شود. با احساس مسئولیت تام اعلام می کنیم که همه این اعمال سیاسی بدون مشورت با شورای فدراسیون روسیه و هیئت رئیسه آن، انجام گرفته است."

در اعلامیه گفته می شود که اظهارات وی درباره قرارداد اتحاد نیز نامفهوم است. باریس یلتسین باید بداند که با عدم توجه به تصمیم کنفرانس دوم نمایندگان خلق درباره قرارداد اتحاد نه تنها به فروپاشی اتحاد شوروی، بل در عین حال به فروپاشی فدراسیون روسیه نیز کمک می کند. "نمایندگان خلق فدراسیون روسیه و شهروندان روسیه از فعالیت شورای عالی فدراسیون روسیه راضی نیستند. قوانین و

مبارزه بر سر ...

خود را از موضع سیاست ریاست جمهوری کنار می کشم و خواهان استعفای فوری او و گذار حاکمیت به ارگان جمعی - شورای فدراسیون هستم. من به روسیه ایمان دارم و از شما شهروندان محترم دعوت می کنم تا به روسیه ما باور داشته باشید. من انتخاب خود را کردم. و هرکس باید انتخاب خود را کرده و محل خود را تعیین کند. من می خواهم تا شما مرا درک کنید. من چنین انتخاب کرده ام و من از این راه منحرف نمی شوم."

"کاسومولسکایا پراودا"

۲۲ فوریه ۱۹۹۱

تهدید بحران

در این اواخر تعداد نامه هایی که به هیئت تحریریه می رسد و نویسندگانشان خواهان اطلاعات "دست اول" درباره رویدادهای اتحاد شوروی هستند، روبه افزایش است. ما، سعی کرده ایم تا آنجا که امکان داریم اطلاعات به اصطلاح دست اول گونه گونی در اختیار خوانندگان بگذاریم.

چندی پیش پنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با شرکت اعضای کمیسیون نظارت آن تشکیل شد. در پایان پنوم سندی زیرعنوان "درباره لحظه کنونی و وظایف حزب" ("پراودا" شماره ۳۰ سال ۱۹۹۱) انتشار یافت. ما ترجمه خلاصه متن آن را به اطلاع خوانندگان خود می رسانیم.

پنوم خاطر نشان می سازد، با وجود موانع جدی در چارچوب تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، ایجاد شرایط سیاسی و حقوقی برای اصلاحات رادیکال ادامه دارد. مسئله نوسازی اتحاد شوروی برپایه دموکراتیک در دستور روز است. آزادی بیان و وجدان طبق قانون تضمین شده است.

با وجود این تضاد روندهای اجتماعی، اشتباهات و نارسایی ها، قبل از همه در عرصه اقتصادی علت پدیده های جدی منفی است که به ویژه در این اواخر تظاهر می کنند. هیچگاه نیز به فعالیت عملی برای تحقق اصلاحات و نیز عدم توافق و نفاق در درون جامعه، این چنین

تهدید آمیز نبوده است. ویژگی لحظه در اینجاست. بحران اجتماعی در کشور به چنان مرز خطرناکی رسیده که بعد از آن، تزلزل اجتماعی مخرب امکان پذیر است. تعداد مناطقی که در آنجا رویارویی مواضع سیاسی اشکال تقابل اجتماعی و میان ملت ها را به خود می گیرد و وضع اغلب از کنترل ارگان های دولتی خارج می شود و به تظاهر آناارشی و خونریزی تغییر شکل می دهند، روبه افزایش است.

در عرصه سیاسی، نیروهایی که تغییر نظام اجتماعی در اتحاد شوروی را، هدف قرار داده اند، مرزبندی شده و می کوشند تا ادامه در ص ۷

از مصاحبه تلویزیونی پاریسی یلتسین

مبارزه برسر قدرت شدت می یابد

عکس شروع شده، می کوشند تا شیوه های فرماندهی - اداری را تیرنه کنند و مرکز فرماندهی - اداری را تحکیم بخشند.

وی سپس گفت: "پس از انتخاب" به عنوان صدر شورای عالی فدراسیون روسیه انتخاب کنندگان با اصرار از او خواستند تا با گاریباچف همکاری کند. و آشکارا بگویم، و خداوند شاهد است که من تلاش زیادی برای همکاری کردم.

پس از این همکاری من اعتماد بیش از اندازه به رئیس جمهوری را اشتباه شخصی خویش می دانم. چنین تصور می شود که مرکز به جمهوری ها امکان برداشتن گام های مستقل نخواهد داد. پس از بررسی همه جانبه رویدادهای ماههای اخیر من اعلام می کنم، در سال ۱۹۸۷ هشدار دادم گاریباچف دارای خصلت کشتش به مطلق کردن حاکمیت شخصی است. او، همه اینها را کرد و کشور را به دیکتاتوری که آن را خیلی زیبا "حکومت ریاست جمهوری" می نامند، کشاند. من خود را از موضع و سیاست ریاست ادامه در ص ۷

مصاحبه اخیر پاریس یلتسین، صدر شورای عالی فدراسیون روسیه، سروصدای زیادی در جهان برآه انداخت. وی از جمله گفت: "در دوسال اول پس از سال ۱۹۸۵ گاریباچف، امیدی در اکثر ما بوجود آورد... چنین برمی آید که وی وقتی وعده می داد نمی دانست چگونه باید به آن جامه عمل پوشاند. او که در انسانها امید بوجود آورده بود،

به قانون های دیکتوری متوسل گردید. و این بویژه در زمان اخیر تظاهر کرد و کاملاً روشن شد که او می خواهد به موازات حفظ واژه "دگرگونسازی"، از لحاظ ماهیت تغییر جهت ندهد، سیستم و حاکمیت خشن متمرکز را کمکان حفظ کرده و به جمهوری ها و قبل از همه به روسیه استقلال ندهد. در اینجا بود که سیاست ضد خلقی وی تجلی کرد. این عبارت است از دغلبازی با پول، آماده شدن افزایش بیسابقه قیمت ها، تمایل به راست، استفاده از ارتش علیه شهروندان، خونریزی در مناسبات ملی، فروپاشی اقتصاد، پائین آوردن سطح زندگی مردم و الی آخر... امروزه غلتیدن در جهت

بیکاری، فقر و نگرانی برای آیتده، شرق آلمان

نمی کند. در دومین شهر آلمان شرقی - لایپزیک، نرخ بیکاری از مرز ۲۴ درصد گذشته است. باید افزود که در آلمان شرقی ۱/۸۸۵ هزارتن به اصطلاح نیمه بیکار وجود دارد که فرق چندانی با بیکار تمام وقت ندارند. مقامات رسمی آلمان شرقی از تشدید وخامت و انفجار اجتماعی سخن می گویند. انسانها در این بخش از آلمان امید به زندگی را از دست می دهند.

کارگر آن باید به صفوف اردوی عظیم بیکاران بپیوندند. طبق آمار رسمی در ژانویه ۱۹۹۱ به تعداد بیکاران ۱۱۵ هزار نفر دیگر افزایش یافته و به ۷۵۷ هزار نفر رسیده است که این نیز ۸/۶ درصد کارکنان شاغل را تشکیل می دهد. برای مقایسه، در آلمان غربی نرخ بیکاری با جمعیت بیش از ۶۰ میلیون تن از ۶/۴ درصد تجاوز

رویدادهای آلمان شرقی تشدید وخامت سیاسی - اجتماعی در این بخش از آلمان را به صراحت نشان می دهد. صدها هزار نفر آلمانی در "سرحد" قترقرار دارند. کارخانه ها، حتی آنهایی که قابلیت رقابت دارند، یکی پس از دیگری ورشکست می شوند. از ۲۷ هزار کارکنان کارخانه های کشتی سازی ۱۰ هزار نفر باید اخراج شوند و برای بقیه نیز کار قط در فاصله زمانی معینی تامین شده است.

ابراهی سیاه برفراز یکی از مدرن ترین کارخانه های آلمان دموکراتیک سابق - کارخانه "روبوترون" - متراکم شده است. کارخانه تولید کامپیوتر در حال تعطیل شدن است و ۱۰ هزار

NAMEH MARDOM
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 344
March 5 1991

نامه مردم

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

بها: ۲۰ ریال